نهادهای حمایتی

ایجاد صندوق «بیماران صعب العلاج»

معاون سیاستگزاری و برنامه ریزی وزیر رفاه و تامین اجتماعی از اتمام کار کارشناسی ایجاد صندوق «بیماران صعب العلاج» تا یک ماه دیگر خبر داد. محمدحسن طریقت در گفت وگو با فارس گفت: در حال حاضر کارشناسان امور درمانی و بیمه ای در وزارت رفاه مشغول انجام کار کارشناسی برای ایجاد و راه اندازی صندوق بیماران صعب العلاج هستند که نتایج این کارشناسی در شورای عالی بیمه مطرح می شود.

وی در ادامه افزود: پیش بینی می شود نتایج این کارشناسی در دومین جلسه شورای عالی بیمه جهت تصویب ارائه شود.

معاون سیاستگزاری و برنامه ریزی وزیر رفاه و تامین اجتماعی اظهار داشت: این صندوق برای حمایت از بیماران صعب العلاج، سرطانی، ام اس، هموفیلی و تالاسمی است که باید بانک اطلاعاتی و آمار آنها جمع آوری شود.

طریقت ادامه داد: در آئین نامه صندوق «بیماران صعب العلاج» باید نحوه جمع آوری کمک های مردمی، چگونگی تقسیم و اختصاص یارانه ها و تنظیم مالیات سلامت مشخص شود.

نهادهای فرهنگی

فعالیت مجمع وبلاگ نویسان ایران

دبیرکل مجمع صنفی نشریات دانشجویی کشور از فعالیت واحدی به نام مجمع وبلاگ نویسان ایران در این نهاد خبر داد.

حمیدرضا اشراقی در گفت وگو با ایسنا با اشاره به راه اندازی سایت www.heyatblog.ir از سوی مجمع برای وبلاگ نویسان تصریح کرد: این سایت از طریق واحد فرهنگی و فوق برنامه مجمع اداره می شود و بیشتر به موضوعات دینی و فرهنگی می پردازد که به احتمال زیاد در روز تولد حضرت زهرا(س) فعالیت رسمی خود را آغاز می کند.

وی ادامه داد: سایت «هیات بلاگ» با هدف ایجاد پل ارتباطی میان وبلاگ نویسان جوان راه اندازی شده است.

دبیرکل مجمع صنفی نشریات دانشجویی کشور همچنین به تلاش مجمع برای آغاز به کار مجدد سایت «مسند» به آدرس اینترنتی www.mosnad.ir خبر داد.

اشراقی در ادامه به برگزاری روز خبرنگار از سوی مجمع با همکاری انجمن قلم جوان ایران اسلامی در ۱۶ مردادماه اشاره کرد و گفت: یک دوره کلاس نویسندگی و ویراستاری در طول تابستان برای دانشجویان تهرانی برگزار می شود.

نهادهای حوزوی

یک حوزوی دو برابر یک دانشگاهی تحصیل می کند

طلاب حوزه علمیه به هنگام آموزش در مراکز تخصصی، ملزم به ادامه تحصیل در سطوح عالی فقه و اصول بوده و این موضوع حجم دروس را به دو برابر حجم دروس معمول در سایر مراکز علمی رسانده است.

«حمید محمدی» در گفت وگو با مهر گفت: در مصوبه شورای عالی حوزه علمیه، سه مرحله برای رشته های تخصصی تعریف شد تا در یک سیر منطقی بتوانیم به نقطه مطلوب در هر رشته تخصصی برسیم. در حقیقت در تعریف یک سیر منطقی علمی در هر شاخه از علوم، چهار گام برداشته می شود. گام اول این است که دانش پژوه با مبانی پایه ها و رشته های عام آشنا می شوند که این گام در سطح یک حوزه به عنوان آشنایی با مبانی پایه ای و اساسی علوم حوزوی برداشته می شود. در گام دوم یک انشعاب خاص در یکی از علوم مطالعه شده در گام اول ایجاد می شود. در گام دوم طلبه به صورت عمومی با یک رشته خاص آشنا می شود و با کلیات یک علم مثلاً تفسیر، تاریخ و یا سایر علوم بیشتر آشنا می شود. این گام در سطح دو حوزه (کارشناسی) برداشته می شود.

مدیر دفتر امور مراکز تخصصی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم افزود: در گام سوم، دانش پژوه به صورت تخصصی با یکی از شاخه های علم مورد نظر آشنا می شود. به عنوان مثال شخصی که در سطح دو با تفسیر به صورت تخصصی آشنا شده در سطح سه با یکی از شاخه های علوم تفسیر مانند علم قرائت، تفسیر ترتیبی یا شاخه های دیگر به صورت تخصصی آشنا خواهد شد. مقطع سطح سه (کارشناسی ارشد) در حقیقت برداشتن این گام سوم است. در گام چهارم نیز حرکت فوق تخصصی و نظریه پردازی علمی در علوم مطرح می شود در این گام دانش پژوه در یک شاخه از علم مثلاً تفسیر ترتیبی قدرت استنباط پیدا کرده و صاحب نظریه می شود.

وی افزود: به بیان دیگر در سطح یک با همه رشته ها به صورت عمومی آشنا می شوند. در سطح دو طلبه با منابع و قوت و ضعف آن در یک رشته خاص آشنا می شود. در سطح سه بر مبنای نظریات دیگران نظریات مورد نقد و بررسی قرار می گیرد و ادله بیان می شود و در سطح چهار شخص توان ارائه نظریه و توان دفاع علمی بدون تکیه بر نظریات دیگران را پیدا می کند.

مدیر دفتر امور مراکز تخصصی افزود: این روال و سیر علمی در کنار شیوه سنتی مطالعات علمی در حوزه قرار گرفت و مشخص شد که اولاً از لوازم طی کردن این سیر تخصصی، ادامه دادن آن شیوه سنتی است به طوری که طلبه باید در کنار این رشته های تخصصی به صورت الزامی دروس مرسوم حوزه را در شاخه فقه و اصول نیز به صورت رسمی ادامه دهد. این دو الزاماً باید در کنار یکدیگر قرار گیرد، در غیر این صورت امکان ادامه تحصیل در رشته تخصصی موجود نیست.

نهادهای قرآنی

مهد قرآن در مساجد

از سوی دبیرخانه کانون های فرهنگی- هنری مساجد خوزستان، مهد قرآن و مراکز پیش دبستانی در مساجد خوزستان راه اندازی شده است. به گزارش ایکنا آموزش روخوانی و حفظ جزء ۳۰، آموزش حدیث، نماز، سیره امامان(ع)، شعر، قصه، نمایش، نقاشی و کاردستی، واحد کار و کلاس های درسی از فعالیت های عمده مهدهای قرآنی و مراکز پیش دبستانی کانون های فرهنگی - هنری مساجد است.

این مهد قرآن ها همزمان با سراسر کشور ویژه نونهالان یک ساله و پیش دبستانی آغاز به کار کرده است.

یادآوری می شود این مهدها همزمان با خوزستان در استان های تهران، چهارمحال و بختیاری، کرمان، کرمانشاه، لرستان، همدان، یزد و اصفهان نیز راه اندازی شده اند.

نهادهای بهداشتی

مدال برای دیابتی های موفق

برای اولین بار ۱۷ سال پس از فعالیت انجمن دیابت ایران و تلاش در زمینه آموزش دیابت در کشور، از افراد مبتلا به دیابت نوع اول که با کنترل صحیح قند خون دچار عوارض زودرس نشده باشند، تقدیر می شود.

به گزارش مهر، در این مراسم به افراد مبتلا به دیابت نوع اول که با کنترل صحیح قند خون پس از ۲۵ سال سابقه ابتلا به این بیماری دچار عوارض زودرس نشده باشند، مدال نقره، بیماران با سابقه ابتلای ۵۰ سال مدال طلا و به بیماران با سابقه ابتلای ۷۵ سال، مدال الماس اعطا می شود.

براساس این گزارش، مراسم تقدیر از بیماران دیابتی ۵ مرداد امسال در تهران برگزار می شود.

نهادهای فرهنگی

تشکیل انجمن موزه داران ایران جوان

نخستین مجمع عمومی انجمن موزه داران ایران جوان، ساعت ۱۴ روز سه شنبه ۲۷ تیرماه در محل آمفی تئاتر موزه فرش برگزار می شود.

به گزارش مهر در این مجمع که با حضور تعدادی از مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین دوستداران رشته موزه داری تشکیل می شود، پس از معرفی انجمن، انتخابات شورای مرکزی انجمن برگزار می شود.

بنابراین گزارش، انجمن موزه داران ایران جوان (اماج) نخستین انجمن تخصصی رشته موزه داری در ایران است که به صورت غیرانتفاعی و غیردولتی آغاز به کار می کند.

نهادهای زیست محیطی

مشکلات فعالان محیط زیست

گروه اجتماعی: رئیس هیات مدیره شبکه زیست محیطی کوثر، دبیر شبکه سازمان های غیردولتی محیط زیست و توسعه پایدار منطقه تهران نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس سازمان حفاظت محیط زیست نوشته است. این نامه را می خوانید:

سرکار خانم دکتر جوادی
ریاست محترم سازمان حفاظت محیط زیست

پس از عرض سلام و تقدیم احترام
بدین وسیله به اطلاع می رساند:

۱ - شبکه سازمان های غیردولتی محیط زیست ایران اولین بار در سال ۱۳۷۸ با همکاری و حمایت سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان مدیریت و برنامه ریزی و سازمان های غیردولتی فعال به وجود آمد. ساختمان خارک واقع در خیابان حافظ پشت تالار وحدت خیابان خارک از طرف سازمان در اختیار شبکه قرار گرفت تا به عنوان دفتر مورد استفاده قرار گیرد. سازمان های غیردولتی محیط زیست با پشتکار و رنج فراوان خشت های اولیه این شبکه را بنا نهادند.

۲ - در سال ۱۳۸۱ شبکه های منطقه ای تشکیل و دبیران هفت منطقه هیات مدیره شبکه کشوری را تشکیل دادند و این ساختمان همچنان مقر این تشکیلات بوده و شبکه منطقه تهران نیز در این مرکز به فعالیت خود ادامه داده است.

۳ - اهداف شبکه مطابق اساسنامه اطلاع رسانی، توانمندسازی، هماهنگی و حمایت از اعضا می باشد قسمت های مختلف با اعضای سازمان ها، مقامات عالی رتبه کشور، نمایندگان محترم مجلس و نمایندگان سازمان های بین المللی در این مرکز برگزار شده است. همچنین ده ها کارگاه آموزشی و توانمندسازی در این محل اجرا شده است. سایت شبکه (www.tehrannetwork.org) اخبار زیست محیطی و فعالیت های سازمان های غیردولتی را به اطلاع اعضا می رساند. انتشار نشریه حضور سبز نیز اهداف اطلاع رسانی را تکمیل می نماید. علاوه بر این محل شبکه مرکزی برای جلسات سازمان های غیردولتی که خود محلی برای فعالیت ندارند است. دفتر مشارکت های مردمی سازمان همواره شبکه را در راه دستیابی به اهداف خود پشتیبانی و حمایت نموده است، اگر چه این پشتیبانی به طور مطلوب کاملاً اثرگذار نبوده است.

۴ - با انتخاب آقای دکتر احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور منتخب که پایگاه مردمی بسیار دارند و تاکید مقام معظم رهبری بر مشارکت های مردم در امور عمومی، امید سازمان های غیردولتی بر حمایت و پشتیبانی موثر قوت گرفت.

ملاقات هیات مدیره شبکه تهران با سرکار عالی در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۴ با حضور آقای دکتر میرنیا که در آن زمان معاونت محترم آموزش بودند و قول مساعدت ها و کمک های مالی سرکار به شبکه و ملاقات های مکرر با آقای دکتر یزدی و آقای دکتر میرنیا و سپس آقای دکتر سلاجقه و مساعدت های بی دریغ این عزیزان این امید را بیش از پیش تقویت کرد.

۵ - در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۵ با انتصاب آقای بزرگیان به مدیریت محیط زیست استان تهران، شبکه نامه تبریکی ارسال کرد و از ایشان تقاضا شد که جلسه ای به منظور آشنایی با هیات مدیره و شبکه و ترسیم خطوط همکاری استان با شبکه سازمان های غیردولتی تشکیل شود.

ایشان پاسخی به درخواست ما ندادند و در تماس تلفنی با دفتر ایشان پیام دادند که با امور مالی اداری تماس گرفته شود در حالی که بنده تقاضای همکاری زیست محیطی داشتم و به نظر نمی رسید که صحبت با امور مالی مسئله ای را حل کند.

۶ - در تاریخ ۸۵/۳/۹ آقای کاشی کارشناس امور اداری اداره کل در تماس تلفنی خیلی محترمانه به ما گفتند محل را لازم داریم، لطفاً تخلیه بفرمایید ولی مهلت و تاریخی را معین نکردند. عرض شد که با آقای دکتر سلاجقه مدیرکل محترم دفتر مشارکت ها و مسئول هماهنگی امور مربوط به سازمان های غیردولتی و شبکه ها مشکل را در میان گذاشتیم و تقاضای جلسه مشترک نموده ایم، امیدوارم که در این جلسه مشترک به راه حل مناسبی برای ساماندهی دفتر شبکه برسیم.

همچنان تاکید شد ما قبول داریم که اداره کل مالک ساختمان است و بنا به ضرورت محل را لازم دارد، ولی این موضوع باید با تفاهم و همکاری و مساعدت حل شود.

۷ - در حالی که دفتر مشارکت های مردمی و آقای دکتر سلاجقه مسئول هماهنگی برای تعیین تاریخ این نشست بودند، در تاریخ ۸۵/۴/۱۲ ساعت ۱۱ صبح ۴ نفر بدون اطلاع و ناگهانی وارد دفتر شبکه شدند. یکی از آنان خود را به نام آقای کاشی کارشناس اداره کل معرفی کرد. سئوال شد بقیه در چه سمتی هستند، فرمودند که اینها آمده اند که اسباب های شما را جابه جا کنند.

بنده بسیار شوکه شدم، توضیح دادم که دفتر مشارکت ها مسئول هماهنگی برگزاری جلسه است و ان شاءالله در این جلسه به راه حل مناسبی خواهیم رسید.

اظهار داشتند آقای بزرگیان اعتقادی به جلسه ندارند و اظهار می دارند که این مسئله ارتباطی با دفتر مشارکت ها ندارد.

اعتراض شد که اخطار و یا نامه ای در این بابت دریافت نشده است گفتند که تا بعدازظهر نامه را فکس خواهند کرد. نامه پیوست که با امضای رئیس اداره مالی می باشد (مدیرکل ما را قابل ندانسته اند) در ساعت ۱/۴۵ دقیقه به تاریخ ۸۵/۴/۱۲ به دست ما رسید، تقدیم می گردد.

ما از سرکار استدعا داریم روشن بفرمایید که آیا این طرز برخورد و نحوه نگارش و ارسال نامه با اصول عالیه اسلام همخوانی دارد؟

شبکه سازمان های غیردولتی از بدو تاسیس علاوه بر فعالیت های مرتبط زیست محیطی در کمیته های سیاستگزاری و تدوین برنامه چهارم و چشم اندازه ۲۰ ساله و کمیته های دیگر در سطح کلان مشارکت داشته است.

تعطیل شبکه و ایجاد وقفه در کار شبکه، ارتباط با سازمان غیردولتی منحل گشته و عملکرد آنان را دچار رکود خواهد کرد. سازمان های غیردولتی محیط زیست و شبکه ای که خود به وجود آورده اند، ظرفیتی است ملی برای مدیریت محیط زیست و این ظرفیت با همه ضعف های خود با مشقت و فعالیت های فراوان خود به وجود آمده است که حفظ و ادامه آن وظیفه ملی است.

از سرکار عالی استدعا دارم ترتیبی اتخاذ فرمایید که این مقوله با درایت و سعه صدر، با همکاری کلیه دست اندرکاران (سازمان های غیردولتی، مدیرکل محترم دفتر مشارکت های مردمی و مدیرکل محترم استان) به طریقی که مطلوب طرفین باشد حل و فصل گردد.

نهادهای معلمان

معلم تحقیر می شد

شیرزاد عبداللهی: برای درک دلایل ناتوانی معلمان در ایجاد یک تشکل صنفی مستقل، فراگیر و تاثیرگذار در دوره اصلاحات به رغم پایین بودن هزینه فعالیت های صنفی و نگاه تشویق آمیز و یا دست کم بی طرف دولت خاتمی باید نقبی به گذشته زد و ذهنیت شکل گرفته در میان فرهنگیان نسبت به فعالیت های حزبی و تشکیلاتی را مورد توجه قرار داد. آخرین حرکت سازمان یافته صنفی معلمان قبل از دوم خرداد ۷۶ در سال ۱۳۴۰ شمسی اتفاق افتاد و خاطره این فعالیت موفق صنفی بعد از ۳۶ سال از حافظه جامعه معلمی پاک شده بود. علاوه بر این وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بین گذشته و آینده گسستی ایجاد کرد. در فاصله سال های ۴۶ تا ۶۰ خورشیدی جنب و جوشی در میان معلمان برای تشکیل کانون های صنفی مستقل با الهام از سنت های مبارزاتی سابق به وجود آمد. اما فضای سیاسی و انقلابی این دوره به گفتمان صنفی مجال بروز عرض اندام نداد، ضمن اینکه فعالان صنفی این دوره نزدیکی ها و همدلی های آشکار و پنهانی با گروه های سیاسی مخالف داشتند و یا حداقل بسیاری از معلمان این گونه تصور می کردند. سیر حوادث در آموزش و پرورش به گونه دیگری رقم خورد. در آن سال ها که به بهار آزادی معروف است فضای مدارس کاملاً تحت سیطره سیاست بود. دیوارهای مدارس بین دانش آموزان هوادار گروه های سیاسی تقسیم شده بود. اعلامیه و نشریه از در و دیوار می بارید. میلیشیاهای وابسته به گروه های سیاسی- نظامی زنگ تفریح در حیاط مدرسه رژه می رفتند و شعار می دادند. انجمن اسلامی دانش آموزان که حامی سیاست های حکومت نوپای انقلابی بود، تسلطی بر اوضاع مدرسه نداشت. بازار بحث و گفت وگو بین معلمان به هواداری از این یا آن گروه گرم بود. ادامه این فضای پرهرج و مرج غیرممکن می نمود. همه تصور می کنند انقلاب فرهنگی در دانشگاه اتفاق افتاد، اما انقلاب فرهنگی با شدت و گستردگی بیشتری ابتدا در آموزش و پرورش اجرا شد. ورود برخی گروه های مخالف در بهار سال ۶۰ به فاز نظامی پایان این دوره را در آموزش و پرورش رقم زد. بساط گروه های سیاسی از مدارس برچیده شد، هیات های بدوی رسیدگی به تخلفات کارکنان به سرعت دست به کار شدند و تعداد زیادی از فرهنگیان بازنشسته، بازخرید، اخراج، مازاد و منتظر خدمت شدند. مثل همه حوادث بزرگ در اینجا نیز تروخشک با هم سوختند. در کنار اعضا و هواداران تشکیلاتی گروه ها که تعداد آنها زیاد نبود، عده زیادتری به دلیل خواندن نشریه گروه های مخالف، بحث سیاسی و حتی سبک زندگی و نوع پوشش و یا حسادت ها و رقابت های شخصی مشمول پاکسازی شدند. در برخی مناطق قومی که گروه های مسلح حضور فعال داشتند، دامنه پاکسازی ها گسترده تر بود. بار دیگر همان چرخه معروف تاریخی در جامعه ما تکرار شد. معلوم شد که فعالیت سیاسی و صنفی عاقبت خوشی ندارد. تنها انجمن اسلامی معلمان و دانش آموزان در صحنه ماندند. وقتی در سال های آخر دهه شصت مدیران و مسئولان انقلابی و چپگرای آموزش و پرورش هم مشمول تصفیه شدند، معلم معمولی مدرسه به این نتیجه رسید که سیاست پدر و مادر ندارد، کار سیاسی و تشکیلاتی بازی کردن با آتش است و آدم عاقل به دست خود خویشتن را به مهلکه نمی اندازد و بهترین حزب ها حزب باد است. در مدارس دخترانه دامنه کنترل ها از مسائل سیاسی فراتر رفت و به محافظه کاری شدید خانم معلم ها انجامید. تهمت ها و گزارش هایی در مورد بدحجابی، آرایش کردن و رفتار سبک به آسانی قابل دفاع نبود. در دوره ای که محمدعلی نجفی وزیر بود، نگاه تخصصی به مسائل حوزه آموزش و پرورش تقویت شد. می توان لیست بلندی از اقدامات مثبت وزارتخانه در این دوره تهیه کرد، اما معلمان در این دوره سر در لاک خود داشتند. معلم در مقابل مدیران و نهادهای قدرتمند اداری موجودی تنها، ضعیف و کاملاً بی دفاع و آسیب پذیر بود. در بوروکراسی متمرکز اداری معلم آخرین و ضعیف ترین حلقه زنجیری بود که وزیر در راس آن قرار داشت. شکاف بین مدرسه و اداره و بین مدیران و معلمان سال به سال گسترده تر می شد. در همین دوره طرح خوبی مانند طرح نظام جدید متوسطه در باتلاق بی اعتمادی معلمان دفن شد. معلمان و به خصوص معلمان زن را به ضرب بخشنامه در سالن ها جمع می کردند تا به سخنرانی های مسئولین گوش دهند و چون کسی جرات اعتراض نداشت، تنها واکنش منفی چرت زدن و خوابیدن روی صندلی های راحت سالن ها بود.

حضور در کلاس های بی کیفیت ضمن خدمت صرفاً وسیله ای بود برای اخذ امتیازات شغلی.

معلمان هر سال از روزهای آخر شهریور تا ۱۵ مهر برای گرفتن ابلاغ محل خدمت در مقابل میز مسئول مقطع صف های طویل پیچ درپیچ تشکیل می دادند. گرفتن حقوق از بانک مصیبتی بود که در روزهای اول ماه تکرار می شد. باز هم صف و متلک ها و بداخلاقی های کارمندان خسته بانک ها.

در اسفندماه معلمان برای گرفتن حقوق و عیدی، سپیده نزده جلوی در بانک ها صف های طویل تشکیل می دادند و برای مقابله با سرما آتش روشن می کردند. ظاهراً همه چیز مرتب بود و اعتراضی به صورت آشکار صورت نمی گرفت. اما در دل معلمان غوغا بود و آهسته زیر لب غر می زدند. معلم در اداره، در مدرسه، در بانک، در کوچه و خیابان، حتی در گفت وگو با زن و فرزند روزی هزار بار تحقیر می شد. بحث های جدی در دفتر مدرسه از حد اعتراض به گرانی به افزایش قیمت دلار و خودرو فراتر نمی رفت. در مدارس پسرانه برخی از همکاران به هزل و طنز پناه برده بودند. معلم شخصیتی ژلاتینی داشت: غیرقابل تعین. نه با چیزی مخالفت می کرد و نه موافقت. نه اعتراض می کرد و نه حمایت. در مورد طرح های اداری مانند طرح نظام جدید متوسطه، همه موافق و در عین حال همه مخالف بودند. این وضعیت کم و بیش تا سال ۸۰ ادامه داشت. حتی در سال ۸۰ هم که معلمان دهان باز کردند، حافظه تاریخی به آنها دیکته می کرد: نامت را جایی ثبت نکن، از فعالیت های خود ردی به جای نگذار، خودت را انگشت نما نکن، طوری حرف بزن که برآیند حرف هایت صفر باشد، به گروه و تشکل و امثال اینها اعتماد مکن و چنین بود که معلمان تهرانی در زمستان سال ۸۰ اعتراضات توده ای و بی سازمان را بر اعتراضات مدنی و تشکیلاتی ترجیح دادند.

نهادهای دانشجویی

شوراهای صنفی دانشجویی از آغاز تا امروز

محمد خرم*: وجود نهادهای مدنی و NGOها را می توان نشانه ای از تبلور خواست و اراده مردم در ساماندهی امور مربوط به زندگی اجتماعی دانست. یعنی آنجا که گروه های اجتماعی که دارای یک یا چند ویژگی مشترک هستند، تمایل دارند که از طریق همکاری و همفکری و با کمترین دخالت دولت ها در مسائل مورد علاقه خود تصمیم گیری کنند، گاهی اوقات این گروه ها دامنه فعالیت خود را وسیع تر کرده و در امر تصمیم سازی به دولتمردان نیز مشاوره می دهند و از این طریق نیازها و سلیقه های خود را در قوانین اجتماعی تاثیر داده و باعث افزایش رضایتمندی شهروندان می شوند و آنان را به اطاعت از دستورات و قوانین ترغیب می کنند. در ایران نیز تعداد این نهادها رو به فزونی است، در این بین دانشگاه های ایران همواره یکی از بسترهای مناسب ترویج اندیشه جامعه مدنی و شکل گیری نهادهای مدنی دانشجویی بوده است. مرزبندی و تفکیک فعالیت های دانشجویی در محیط دانشگاه امری بسیار دشوار بوده و خصوصاً تفکیک مسائل صنفی از سیاسی در حوزه عمل بسیار دشوارتر است، به همین سبب در گذشته تشکل های سیاسی پیگیری خواسته های صنفی دانشجویان را نیز به عنوان اهداف درجه دوم در دستور کار خود داشته اند، بررسی ها در این خصوص نشان می دهد که عموماً طرح خواسته های صنفی دانشجویان توسط تشکل های سیاسی به شکل گیری اعتراضات جمعی سیاسی دانشجویان مبدل شده است و در نهایت تقاضاهای صنفی در میان هیاهوی سیاسی به وجود آمده کمرنگ شده یا اینکه به فراموشی سپرده می شدند. همین امر باعث شد تا تقاضاهای صنفی دانشجویان در طول زمان روی هم انباشته شده و امروز شاهد انبوهی از نیازها و مشکلات صنفی دانشجویان باشیم. این روند تا سال ۷۶ کم و بیش ادامه داشت تا اینکه با روی کار آمدن دولت خاتمی و تقویت ایده جامعه مدنی، ایجاد تنوع و تکثر و گسترش تشکل های دانشجویی در برنامه کاری وزارت علوم قرار گرفت. اولین دستاورد اجرایی این برنامه به صورت تفکیک وظایف و سلیقه ها در حوزه های فعالیت دانشجویان ظاهر شد. اینچنین شد که وظیفه پیگیری خواست ها و مطالبات صنفی دانشجویان به شوراهای صنفی واگذار شد و تشکل های سیاسی از دخالت در این امور منع شدند. شوراهای صنفی که اعضای آن از طریق انتخابات و با رای مستقیم دانشجویان تعیین می شدند فعالیت خود را در دانشگاه ها آغاز کردند. در ابتدا و به دلیل نوپا بودن این تشکل دانشجویی، آیین نامه ها، حوزه فعالیت و حدود اختیارات اعضای آن دارای نواقص و ابهامات زیادی بود و باعث می شد که نمایندگان دانشجویان در هنگام پیگیری مطالبات موکلین خود با مشکلات زیادی روبه رو شوند. از آن جمله می توان به اختلافات و درگیری های ایجاد شده بین آنان و مسئولین دانشگاه ها و گاهی اوقات محکومیت های مختلف در کمیته های انضباطی اشاره کرد. وزارت علوم به منظور کاستن از این مناقشات، با استفاده از نظرات روسا و معاونین دانشجویی دانشگاه ها و به شیوه آزمون و خطا همچنان در حال اصلاح آیین نامه ها بود تا اینکه آخرین آنها در ۸۲/۵/۲۰ به دانشگاه ها ابلاغ شد؛ شکاف بین مسئولین و نمایندگان دانشجویان و اختلافات همچنان افزوده می شد، دندان ها به کار افتادند تا گره های ساده را باز کنند. پس از گذشت اندک مدتی از فعالیت شوراها نمایندگان دانشجویان بر آن شدند تا به منظور تجمیع نیروهای خود اتحاد صنفی دانشجویان کشور را تاسیس کنند. سرانجام اساسنامه ای تهیه شده و به تصویب دبیران شوراهای صنفی دانشگاه های تحت پوشش وزارت علوم رسید و پیرو آن تقاضای صدور مجوز فعالیت اتحادیه تسلیم وزارت علوم شد. طرح این تقاضا وزارت علوم را با یک پارادوکس مواجه کرد. از یک سو نارضایتی قاطبه مسئولین دانشگاه ها از شوراهای صنفی و از طرف دیگر علاقه این وزارتخانه بر تداوم حیات این نهاد مدنی دانشجویی بود. اسرار شوراها بر صدور مجوز فعالیت اتحادیه باعث شد که اندک حمایت وزارت علوم در مقابل مسئولین دانشگاه ها را نیز از دست بدهند به همین سبب در موارد متعددی اعضای شوراهای صنفی در دانشگاه ها با برخوردهای مسئولین و احکام کمیته های انضباطی روبه رو شدند. تقاضای صدور مجوز اتحادیه نیز به دلایل مختلف همچنان بی پاسخ ماند. از جمله مهمترین این دلایل تشکیل نشدن هیات نظارت شوراهای صنفی در وزارت علوم بود و تشکیل این هیات نیز منوط به حضور دو عضو دانشجویی آن بود. سرانجام دو عضو دانشجویی به این هیات هفت نفره معرفی شدند ولیکن از پیش معلوم بود که در ترکیب دو به پنج هیچ شانس پیروزی وجود ندارد. این نامعادله تا آخرین روز فعالیت دولت قبل همچنان وجود داشت. اما همچنان نظر وزارت علوم برای صدور مجوز فعالیت اتحادیه منفی بود، جدال بین نمایندگان دانشجویان و مسئولین همچنان ادامه داشت تا اینکه طرحی به منظور خروج از این بن بست توسط نمایندگان وقت دانشگاه علامه طباطبایی و تهران پیشنهاد شد و در همان ابتدا مورد موافقت دانشجویان و وزارت علوم قرار گرفت. راه برون رفت از این بحران چیزی نبود جز تشکیل «شورای هماهنگی و پیگیری اتحادیه»، (در نشست علامه) این شورا تشکیل شد و به زودی فعالیت های خود را به صورت کاملاً قانونی آغاز کرد. از آن جمله می توان به راه اندازی دبیرخانه، تهیه مهر و سربرگ، تهیه اساسنامه جدید اتحادیه، تهیه اساسنامه مجمع امور صنفی دانشجویان کشور و برگزاری دهمین نشست سراسری شوراهای صنفی دانشگاه های کشور اشاره کرد. در نشست اخیر اعضای شورای مرکزی اتحادیه انتخاب شدند و مسئولیت انجام وظایف اتحادیه و اخذ مجوز از وزارت علوم بر عهده ایشان گذاشته شد و به این ترتیب شورای هماهنگی نیز به کار خود پایان داد. حال نکته مهم اینجاست که آیا این تشکل دانشجویی قادر خواهد بود که تجربه های باارزش گذشته خود را مورد توجه قرار داده و با استفاده بهینه از تمامی نیروها و امکانات خود همراه با دیپلماسی فعال، دور جدیدی از تعامل و مذاکرات را با وزارت علوم دولت محمود احمدی نژاد آغاز کند. آیا اعضای این تشکل می توانند نمایندگان موفقی در پیگیری مطالبات صنفی جامعه دانشجویی کشور باشند؟ آینده این نهاد مدنی دانشجویی چگونه خواهد بود و چه کسی آن را رقم خواهد زد؛ دانشجویان یا وزارت علوم؟ و سئوال آخر اینکه آیا جهت نامعادله قدیمی (دانشجو<دولت: دانشجو از دولت کوچکتر است) دولت تغییر خواهد کرد یا نه؟ پس باید منتظر ماند و همچنان به آینده چشم دوخت.

***دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی.**

این مطلب پیش از خروج شورای صنفی دانشگاه علامه از مجمع شوراهای صنفی دانشگاه های کشور به دفتر روزنامه رسیده است.

شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان

آگهی فراخوان عمومی مناقصه

شماره ۸۵/۱۵۴ (دو مرحله ای)

نوبت دوم

این شرکت در نظر دارد نسبت به:

اجرای ارتباط فیبر نوری سلطان آباد به جایزان (مسیر فیبر نوری رامهرمز به بهبهان) همراه با متریال طرح با مبلغ برآورد -/۲/۱۵۳/۰۳۷/۱۷۶ ریال به شرح مشخصات ذیل: طبق شرایط و مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه با شرکت های حقوقی اقدام نماید، لذا متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاع و دریافت مدارک **ظرف مدت ده/۱۰ روز** از تاریخ نشر آگهی پس از واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۹۱۱۸۴ بانک ملی شعبه مرکزی اهواز و ارسال کلیه مدارک سجلی شرکت به نشانی: اهواز، کیانپارس، خیابان ۱۷ شرقی، مجتمع فنی واداری، طبقه اول، مدیریت تدارکات و خدمات، واحد قراردادها، اتاق ۱۳۸ مراجعه و یا با شماره تلفن: ۳۳۳۷۶۶۶-۰۶۱۱ و یا نمابر: ۳۳۳۱۲۵۴-۰۶۱۱ تماس حاصل نمایند.

ضمناً ارجاع کار به شرکت های ایرانی و یا مشارکت شرکت های ایرانی - خارجی صرفا به شرط داشتن حداقل ۵۱٪ سهم ارزشی کار برای طرف ایرانی میسر خواهد بود.

شرکت در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار است.

ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

ردیف	نوع کار	مقدار	ردیف	نوع کار	مقدار
۱	حفاری و کابل کشی خاکی فیبر	۳۰۰۰۰ متر	۶	نصب لوله PE	۱۹۰۸ متر
۲	هم مسیری غیر هم سطح	۳۰۰۰۰ متر	۷	نصب لوله کالوانیزه	۱۰۵۰ متر
۳	نصب سابداکت و طناب کشی	۱۱۰ متر	۸	بتن ریزی	۸۲ متر مکعب
۴	پرس افقی	۱۰۸ متر	۹	دیوار چینی سنگی	۳۰ متر مکعب
۵	نصب تیرک شناسایی	۱۵۰ عدد	۱۰	جاده های دسترسی	۵۰۴ متر مکعب

مدت زمان اجرای پروژه: ۱۰۰ روز

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: -/۳۸/۵۲۱/۰۰۰ ریال

نشانی سایت اینترنتی: WWW.ICT-KHZ.IR نشانی پست الکترونیکی: Dabir@ICT-KHZ.IR

تاریخ انتشار نوبت اول: ۸۵/۵/۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۸۵/۵/۴ شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان